**٩٦ - دار مسکونه ، البسهٴ مخصوصه**

و نیز در کتاب اقدس است قوله عزّ و علا : " و جَعَلْنا الدّار المسکونة و الالبسة المخصوصه للذّریة من الذّکران دون الاناث و الورّاث انّه لهو المعطی الفیّاض .... و ما خصّصناه للذّریّات هذا من فضل اللّه علیهم لیشکروا ربّهم الرّحمن الرّحیم "

و از حضرت عبدالبهاء در خطابی است قوله العزیز : "و امّا ما سألت من الّدار المسکونة فهی للولد البکر خاصّةً مع توابعها من اصطبل او مضیف او خلوة و امّا الدّیار السّائرة الغیر المسکونة مقسومة بین رجال و نساء من الورثة "

و قوله الجلیل : " امّا در آیهٴ مبارکه از ذکر ذکور دون اناث مقصود ولد بکر است زیرا ولد بکر در جمیع شرایع الهیّه اختصاص داشته به کتب تورات و انجیل و همچنین احادیث مرویّهٴ سابقه مراجعت نمائید قضّهٴ ایسو و یعقوب دو اولاد اسحق را در تورات قرائت کنید تا واضح شود که در جمیع شرایع الهیّه ولد بکر امتیازات فوق العاده داشته حتّی میراث نبوّت تعلّق باو داشت تا چه رسد بزخارف دنیا حتّی قوانین عادلهٴ بین دول و ملل متمدّنه نیز ولد بکر را امتیازی داده**[[1]](#footnote-1)** الیوم دولت انگلیس را ادّعا چنین است که عاقلترین دول عالم است و از خصائص ملّت انگلیس این است که جمیع اموال را حصر در ولد بکر می‌کنند و مقصودشان این است که ثروت چون تقسیم گردد پریشان شود و از دست برود مثلاً شخصی بزحمات زیاد ثروتی فراهم آرد چون بعد از وفات تقسیم شود توزیع سبب تفریق گردد و بباد رود ولی اگر در ولد بکر حصر شود باقی و برقرار ماند و او دیگران را نگاهداری نماید این است که در ملّت انگلیس الآن بسی خاندان موجود که چهار صد پانصد سال است ثروت در آن خاندان باقی و برقرار است تفریق و توزیع نشده است باری ابداً مقصود این نیست که حصر میراث در ولد بکر ممدوح و مقبول است مقصد این است که در قوانین ملل متمدّنه نیز ولد بکر را امتیازی و مراد از ولد بکر بزرگترین اولاد ذکور موجود است ..... و مقصود از اختصاص دار مسکونه باو این است که اقلاً خانه متوّفی باقی و برقرار ماند تا عائله چون در آن خانه باشند و یا وارد گردند بیاد او افتند و طلب عفو و غفران نمایند باری جمیع این مسائل فی الحقیقة فروع است و آنچه اصول است و اساس است و بنصّ قاطع امر مفروض الهی است وصیّت نامه است باید هر شخص در زمان حیات خویش وصیّت نماید و اموال را بخواهش و میل خود تقسیم کند و توزیع نماید ولی ملاحظهٴ عدل و انصاف را داشته در این صورت نفسی بیو‌صیّت نمیماند و بمیراث بموجب وصیّت متوّفی معامله میگردد این احکام در وقتی است که کسی وفات کند و وصیّتی ننماید پس متوّفی مختار است و دار مسکونه را بهر کس بخواهد می‌بخشد و همچنین مشترک بین ورثه نیز میتواند نمود "

و در خطاب به بشیر الهی است قوله العزیز : " دار مسکونه و البسه تعلّق بولد بکر دارد یعنی اولاد ارشد متوّفی نه بعموم اولاد ذکور "

و در خطابی دیگر قوله العزیز : " مقصود از ولد بکر ارشد اولاد ذکور باقی است شمول بأرشد اناث ندارد ولو اکبر اناث باشد و اینکه در اولاد ذکور دون الاناث میفرماید مراد آن است که شاید شخصی ده اولاد ذکور دارد اگر اکبر فوت شود ثانی جای او قائم است اگر ثانی فوت شود ثالث جای او قائم است و اگر ثالث فوت شود رابع جای او قائم است لهذا در آیهٴ مبارکه بلفظ جمع بیان شده "

و در خطابی دیگر : " و امّا در آیه مبارکه از ذکور دون اناث مقصود ولد بکر است .... و مراد از ولد بکر بزرگترین اولاد ذکور موجود است "

و در رسالهٴ سؤال و جواب است :

**سؤال** هر گاه شخص متوّفی حقوق اللّه یا حقّ النّاس بر ذمّهٴ او باشد از بیت مسکون و البسهٴ مخصوصه و سائر اموال بالنّسبه باید ادا شود یا آنکه بیت و البسه مخصوص ذکر ان است و دیون باید از سایر اموال داده شود هر گاه سایر ترکه وفا نکند بدیون چگونه مشمول شود

**جواب** دیون و حقوق از سایر اموال داده میشود و اگر اموال وفا نکند از بیت مسکون و البسهٴ مخصوصه ادا شود

**سؤال** از بیت مسکون که مخصوص اولاد ذکور است جواب اگر بیت مسکون متعدّد باشد اعلی و اشرف آن بیوت مقصود است و ما بقی مثل سایر اموال است که باید بین کلّ قسمت شود سؤال دار مسکونه و البسهٴ مخصوصه که مخصوص ذریّه ذکور است دون الاناث و الورّاث هر گاه ذریّه نباشد تکلیف چیست

**جواب** قوله تعالی من مات و لم یکن له ذریّه ترجع حقوقهم الی بیت العدل نظر باین آیه مبارکه دار مسکونه و البسه مخصوصه به بیت عدل راجع است

**سؤال** : دار مسکونه و البسه مخصوصه در صورت عدم وجود ذکر ان از ذریّه راجع به بیت العدل است یا مثل سایر اموال تقسیم میشود هذا ما نزّل فی الجواب من لدی اللّه العزیز الوهّاب دو ثلث از خانه و البسهٴ مخصوصه باناث از ذریّه راجع و ثلث آن به بیت العدل الّذی جعله اللّه مخزن الامة سؤال در احکام الهیه در باب ارث دار مسکونه و البسه مخصوصه را از برای ذکر ان از ذریّه مقرّر فرموده‌اند بیان شود که این حکم در مال اَبْ است و یا در مال امّ هم این حکم جاری است

**جواب** : البسهٴ مستعملهٴ اُمّ ما بین بنات بالسّویّه قسمت شود و سایر اشیاء از ملک و حلّی و البسه غیر مستعملهٴ کلّ از آن قسمت میبرند بقسمی که در کتاب اقدس نازل شده و در صورت عدم وجود بنت جمیع مال کما نزل فی الرّجال باید قسمت شود

**سؤال** : در باب البسه و حلّی که شخص از برای ضلع میگیرد هر گاه متوّفی شود ما بین ورّاث قسمت میشود یا مخصوص بضلع است

**جواب :** غیر از البسه مستعمله هر چه باشد از حلّی و غیره راجع بزوج است مگر آنچه باثبات معلوم شود بزوجه بخشیده شده

1. در انگلستان تمام اموال غیر منقول از ترکه به پسر ارشد تعلّق میگیرد اگر پسر ارشد فوت کرده باشد تعلّق به پسر ارشد او میگیرد و این محض مصلحت بقاء املاک و اراضی موروثی هر خانواده و مرکز شخصیّت و ریاست آن است و بهمین ملاحظه در اسلام نیز برای ارشد ذکور حبوة مقرّر گردید و در غالب نواحی سویس کتابخانه و ساعت و زنجیر آن و انگشتر و تمام زیور و جواهر مخصوص آن به پسر ارشد تعلّق میگیرد . [↑](#footnote-ref-1)